



۲۰۲۰/۰۳/۲۹



م. نعیم بارز

باید از موضع مهوّرانه و بر حق اشرف غنی دفاع کرد!

همزمان با برنامه «صلح امریکا و طالبان» توطئه ها و فشارهایی از داخل و خارج خلاف قانون اساسی، روند انتخابات، امنیت و ثبات نسبی و همه ارزش های اخلاقی انسانی در افغانستان به راه افتاده است، از داخل به وسیله جنگ سالاران، مافیای مواد مخدر، به رهبری داکتر عبدالله و از خارج از سوی دولت پاکستان و ایران زیر نام اجیران (طالبان) و مهمتر از همه با سفر مایک پیمپو وزیر خارجه آن کشور به کابل و دیدار با رئیس جمهور و داکتر عبدالله، تهدید قطع مساعدت های دو میلیارد دلاری آن کشور به افغانستان که تا حدودی احساس وضعیت تشنج، سر درگمی و خطر جنگ داخلی همه جانبه را به وجود آورده است. تا جائیکه معلوم شده برای رئیس جمهور دمدنی مزاج امریکا آنچه مطرح و اهمیت دارد موضوع انتخابات ریاست جمهوری آن کشور است که دونالد ترمپ می خواهد ظاهراً نقش موفقیت خود را در پایان بخشیدن به جنگ افغانستان نشان داده و در تبلیغات انتخاباتی که چند ماه دیگر به راه می افتد از آن به نفع خود بهره برداری نماید علاوه بر این ممکن برنامه های منطقه ای علیه ایران و کشور های دیگری نیز مد نظر باشد.

اگر این مسائل مطرح نباشد چگونه است که با وجود تشدید جنگ از سوی طالبان و باوجود امضای سند «توافقنامه امنیتی دو جانبه» در غیاب دولت افغانستان، مذاکره صلح با گروه تروریستی مذکور در قطر به راه می افتد و سند «صلح» کزایی همراهی سران جنایت کار به امضاء می رسد و همزمان از حکومت افغانستان خواسته می شود که بدون قید و شرط پنج هزار زندانی طالبان را که گفته می شود در میان شان بیش از هفت صد نفر از کشور های دیگری نیز در زندان های افغانستان وجود دارند، رها شوند.

شاید در اثر تبلیغات منفی مردم ما فکر کنند که نقض قانون و رعایت نکردن حقوق عامه تنها از سوی دولت افغانستان صورت می گیرد ولی چنین نیست، بسی دولت ها حتی کشوری به اصطلاح قانونمندی مثل ایالات متحده امریکا بار ها صریحاً اصول و قوانین بین دول را در جهان نقض و نادیده گرفته است، اگر این طور نبود این همه جنگ و خونریزی و فقر و بی عدالتی و آوارگی در جهان وجود نمی داشت.

توجه فرمائید همین دولت امریکا پنج سال قبل که «متن توافقنامه امنیتی دو جانبه را با دولت افغانستان امضاء نمود و تا سال ۲۰۲۴ از لحاظ حقوقی دو طرف امضاء کننده مکلف به اجرای آن بوده که در بند های یکم تا چهارم ذیل نوشته شده است:

۱ - « بر خلاف منشور سازمان ملل متحد افغانستان همواره دستخوش تجاوزات کشور های بیگانه و استفاده نیرو توسط دولت های خارجی و گروه های مسلحی شده است که در بیرون از سرحدات این کشور دارای پایگاه بوده و یا مورد حمایت دولت ها

قرار داشته اند. مطابق این قرار داد طرفین با هر گونه استفاده از نیروی مسلح یا تهدید علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی افغانستان، به شمول حمایت از گروه های مسلح از جمله تأمین پایگاه و تسلیحات از سوی یک کشور خارجی و یا گروه های مسلح دیگر، قویاً مقابله می کنند. طرفین توافق می کنند تا در زمینه تحکیم قابلیت های دفاعی افغانستان در برابر تهدیدات علیه حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و استقلال سیاسی این کشور با هم همکاری کنند»

۲ - « ایالات متحده آمریکا هرگونه تجاوز خارجی یا تهدید به تجاوز علیه حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان را موجب نگرانی شدید خود پنداشته و باور دارد که چنین تجاوزی میتواند منافع مشترک طرفین را در رابطه با ثبات افغانستان، صلح و ثبات منطقه و جهان تهدید کند»

۳ - « در صورت وقوع چنین تجاوزی و یا تهدید به چنین تجاوزی علیه افغانستان طرفین به منظور اتخاذ اقدامات بالقوه سیاسی، دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی برای تشخیص پاسخ مناسب با هم به گونه منظم مشورت می کنند، این مشورت ها به هدف ایجاد فهرستی از اقدامات لازم سیاسی، دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی صورت می گیرد»

۴ - « در صورت وقوع چنین تجاوزی و یا تهدید به چنین تجاوزی علیه افغانستان طرفین به منظور اتخاذ اقدامات بالقوه سیاسی، دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی که فهرست آن در فقرة سوم ذکر شده مطابق به طرز العمل های مندرج قوانین اساسی هر دو طرف به مشورت می پردازند»

اما باوجود بخشی مطالب نقل شده در بالا از متن توافقنامه امنیتی دو جانبه میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی افغانستان، همه شاهدیم که در مدت پنج سال اخیر تا کنون طالبان لاینقطع شب و روز با استفاده از هر نوع سلاحی، مرد و زن و اطفال بی گناه کشور را مورد جنگ و حملات انتحاری قرار داده و به خاک و خون کشیده اند. همچنان دولت حامی آنها پاکستان بارها مناطق شرقی کشور را تحت ضربات توپ و تانک قرار داده که تلفات جانی و مالی را هم در پی داشته و از سوی دیگر دولت آخوندی ایران با فرستادن سلاح و مهمات برای کشتار مردم و تخریب کشور دست به کار بوده که بارها کشف و آشکار و بر ملا گردیده است. مگر متأسفانه هیچگاه دیده نشده که طبق متن توافقنامه امنیتی دولت آمریکا به حمایت از مردم افغانستان به یک پاسخ نظامی و یا از طریق دیپلوماسی فعال و جدی دولت های مذکور را وادار به خودداری از دخالت آشکار و بیشرمانه آنها نماید.

حالا چه پیش آمده که دولت آمریکا برای نوع «حکومت وحدت ملی» در افغانستان پا فشاری دارد، واضح است که آنها در پی منافع ملی خود هستند، حتی دونالد ترمپ بیشتر از هر چیز به فکر چهار سال دیگر در قدرت ماندن خود است، دولت های با نوع خصلت فرهنگ استعماری چه رئیس جمهور بارک اوباما و چه دونالد ترمپ نشان دادند که در کشوری چون افغانستان افراد سرسختی را در دفاع از منافع ملی خوش ندارند، زیرا می دانند که رهبران آگاه افغان به خاطر منافع شخصی چندان گوش به فرمان دولت های خارجی نمی دهند. این مسئله را بارک اوباما در دوران ریاست جمهوری کرسی تجربه کرد که با هر نوع سعی و تلاش نتوانست بدون اجرای خواست های مبنی بر قطع بمب باران و تلاشی خانه های مردم و غیره وی را به قبول موجودیت پایگاه نظامی یا سند توافق نامه امنیتی روی کاغذ نماید بر اساس همان نوع اختلافات بود که امریکایی ها جار و جنجالی را در انتخابات در سال ۲۰۰۹ بین کرسی و داکتر عبدالله را به وجود آوردند اما سرانجام کرسی پیروز شد اما بار دیگر در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ بین اشرف غنی و داکتر عبدالله به اختلافات و تحریکات دامن زده شد که بالاخره حکومت دو سره زیر نام «حکومت وحدت ملی» شکل گرفت به این فکر که هر گاه اشرف غنی به خواست آمریکا لبیک نگوید، خواست خود را از طریق داکتر عبدالله به دست آورد.

و اینک بار دیگر با وجود هر نوع سنگ اندازی در راه انتخابات که زمان زیادی را در بر گرفت ولی بهتر از هر وقت دیگر قانونی و نسبتاً شفاف انجام یافت و جریان اجرای تحلیف اشرف غنی با شرکت بخشی به نمایندگی از دولت های شان در آن مراسم شرکت ورزیدند که انصافاً پرشکوه بود، اما پیدا بود که زلمی خلیل زاد تا توانست داکتر عبدالله و دار و دسته آنرا در

مخالفت و عدم پذیرفتن اشرف غنی به حیث رئیس جمهور تحریک نمود که تا کنون عبدالله و دار و دستة آن بدون یک استدلال منطقی و قانونی اصرار به پیروزی دارند پافشاری امریکا برای تشکیل دولت به اصطلاح دو سره تا جایی مهم بوده که علاوه بر خلیل زاد، مایک پیمپو وزیر خارجه امریکا شتابزده به کابل آمده و در پایان مذاکره که نتوانست را به توافق رساند، اعلام داشت تا ده روز اختلاف خود را بین هم حل کنند در غیر آن یک میلیارد دالر مساعدت خود را بروی افغانستان قطع می نمایند. در پاسخ اشرف غنی با روحیه قوی به گونه ای گفت: قطع یک میلیارد دالر زیاد در کار و بار دولت آسیب نمی رساند. البته بی تردید قطع یک میلیارد دالر برای اقتصاد ضعیف افغانستان بسیار مهم و تأثیر گذار است اما در پاسخ تهدید وزیر خارجه امریکا یک مشت مقاومت خوبی از سوی اشرف غنی به دهن وزیر خارجه امدیما بود.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز و قلم بدست شناخته شده افغانستان را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

